

شوق وصال

روایتی دایمانی از زندگی و خاطرات نوجوان ترین شهید کشور

«علی جرایه»

بتول میرائی



انتشارات مهر آیش

تیرماه ۹۷

سرشناسه	:	میرزائی، بتول، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	شوق وصال: روایتی داستانی از زندگی و خاطرات نوجوان‌ترین شهید کشور «علی جرایه»/ بتول میرزائی.
مشخصات نشر	:	ایلام: مهرآیش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۱۳۵ ص.
شابک	:	978-600-99680-3-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	واژه‌نامه.
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۱۳۵.
زبان دیگر	:	روایتی داستانی از زندگی و خاطرات نوجوان‌ترین شهید کشور «علی جرایه».
موضوع	:	جرایه، علی، ۱۳۵۰ - ۱۳۶۲.
موضوع	:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Persian fiction -- 20th century
موضوع	:	شهیدان -- ایران -- سرگذشته
موضوع	:	Martyrs -- Iran -- Biography
موضوع	:	ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- شهیدان -- داستان
موضوع	:	Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs -- Fiction
رده بندی کنگره	:	۲۳۴ ۱۲ ۵۹ ۴۱/۴ PIR
رده بندی دیویی	:	۸۱۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۲۴۳۲۵۴



انتشارات مهرآیش

آدرس: ایلام - جنب مجتمع آفتاب
مجتمع خدمات درمانی طبقه‌ی همکف
انتشارات مهرآیش
پست الکترونیکی:
mehrayeshpub@gmail.com
شماره تماس: ۰۹۱۸۸۴۶۵۹۹۶

ویراستاری و صفحه آرایی: زینب سلیمان نژاد
طراح جلد: زینب سلیمان نژاد
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ و سال انتشار: اول - ۱۳۹۷
بهاء: ۸۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۳	زندگی نامه شهید علی جرایه
۱۴	محل تولد
۱۴	خانواده شهید علی جرایه
۱۵	توصیف شهید از زبان دوستان
۱۷	شهربانو
۲۱	عهد ناگستنی
۲۳	خشک سالی
۲۵	کوچ
۲۷	تولد علی
۳۳	حادثه در گندمزار
۳۵	ورود به مدرسه منوچهری
۳۹	ورود به کلاس دوم
۴۱	علی و پَرنگل
۴۳	کلاس چهارم

۴۵	دو چرخه
۴۹	بیخ
۵۱	معلم زبان انگلیسی
۵۵	کارگاهی با بارانی سفید
۵۷	حمله به باغ انار
۵۹	۱ دوستان
۶۱	بخش
۶۷	مرید و مراد
۶۹	آشتی آن
۷۱	به خاطر دوست
۷۵	ساخت مسجد
۷۷	نویی از جنس همت
۸۱	اختراع کولر آبی
۸۳	پیدا کردن عکس امام خمینی (ره)
۸۵	شروع جنگ تحمیلی
۸۷	تکریم معلمان
۸۹	پایگاه مقاومت
۹۳	شوق رفتن
۹۵	دست کاری شناسنامه
۹۹	نام نویسی
۱۰۱	روز رفتن
۱۰۳	پایگاه آموزشی شهید امینیان
۱۱۱	بازگشت دوستان

۱۱۳	عشق به حیوانات
۱۱۵	اولین مرخصی
۱۱۷	پادگان باغ میشان
۱۱۹	آخرین مرخصی
۱۲۱	اعزام به جبهه - چنگوله
۱۲۳	پرواز
۱۲۵	خبر شهادت
۱۲۷	تشیع
۱۲۹	جای خالی علی
۱۳۳	واژه‌نامه
۱۳۵	منابع و مستندات

مقدمه

هشت سال دفاع مقدس و روایت آنچه که در این دفاع و مقاومت هشت ساله، بر مردم ایران گذشت، کیست که هزاران جلد هم که داشته باشد، باز قصه‌اش تمام نمی‌شود و واژه واژه‌اش را باید ررنه‌شت. جمله به جمله آن چشمه نوری است که راه را برای آنان که در پی طی صریح کردن در مدبر حق و حقیقت هستند، روشن می‌کند و برای آنان که در پی یافتن راهی برای سال‌ها معبود هستند، راهنما و راهگشاست.

بررسی سبک زندگی شهدا، مروج طایرات آن‌ها باعث روشن شدن زوایای مختلف زندگی و منش آن‌ها می‌شود و آن‌ها که در مورد هر شهید می‌تواند عین مرور کردن سبک زندگی اسلامی باشد که رهبران ترب هموار بر آن تأکید فراوان دارند. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«اینکه تصور بشود که هنر دفاع مقدس در جامعه‌ی ما حائز اهمیت دارد، طالب ندارد، این هم خطای بزرگی است، اگر کسی این را خیال کند از اشاعات فاحش اوست؛ تحقیقاً پرمشتری‌ترین آثار هنری بعد از انقلاب در زمینه‌های مختلف، آن آثار هنری است که مربوط به دفاع مقدس است چه در زمینه‌ی فیلم و سینما، چه در زمینه‌ی کتاب، خاطره و داستان.»

شهادت بزرگ‌ترین درسی است که در مکتب عاشورا تدریس می‌شود. اینکه انسان در مقابل ظلم سر خم نکند و در رکاب مولایش بماند و گوش به فرمان باشد، برای

پایداری دینش بجنگد و از جان بگذرد و این تعهد و پابندی به ارزش‌های الوای اسلامی است که مرگ را همچون شهد شیرین می‌کند.

معرفی شهدا باید با قلمی زیبا طرح شود که بر روی جوان و نوجوان امروزی تأثیر مثبتی داشته باشد و با رغبت هر چه تمام‌تر آن را بپذیرا باشند.

شهدا الگوهایی هستند که علی‌رغم نبود مستقیم‌شان در جامعه امروز، خاطره‌ها و یادگارشان می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر جوانان و نوجوانان ما داشته باشد. امروز پرچم اسلام در جهان، به برکت فداکاری شهیدان عزیز است که به اهتزاز درآمده و نام مبارک خداوند و عظمت اسلام به خاطر ایثار و تلاش آنان و دیگر مجاهدان راه حق است که فضای جهان ابرک است.

در سال ۱۳۵۷ در ایام دهه شصت شهرهای مرزی از آنجایی که از لحاظ بعد مسافت به رژیم بعث نزدیک‌تر بودند بیشتر مورد تهاجم و هدف قرار گرفتند. بیگانگان سعی در فتح دژهای نامرئی اراده قوم را کردند. شکستن غیرت آنان را داشتند غافل از اینکه اراده آهنین مردم این سرزمین را هیچ پتکی نمی‌تواند بشکند.

در سال‌های حماسه و ایثار، آبدانان از جمله شهرهایی بود که مقاومت مثال‌زدنی مردمش زیانزد خاص و عام بود. در این دیار شهیدپرور، در بستر خانواده‌هایی ولایت مدار، انقلابی و عاشق اهل‌بیت، جوانان پرورش یافتند که از هر دیدگاه و چشم‌اندازی مظهر پاکی و نجابت بودند و سبک زندگی‌شان نمونه‌ای عملی از آموزه‌های اهل‌بیت (ع) را به نمایش می‌گذاشت و همین زیست بر اساس الگوهای دینی و اسلامی است که بهترین نوع مرگ یعنی شهادت را برایشان رقم زد.

در این بین ما به سراغ شهیدی رفتیم که به‌عنوان کم‌سال‌ترین شهید کشور ثبت شده است. شهیدی از دیار منطقه‌ای محروم. آنجا که پدران با دستان پینه‌بسته‌شان ابراهیم‌وار تنها داشته‌شان یعنی فرزندان دلبندشان را به ساحت مقدس پروردگار هدیه کردند. ما می‌خواهیم اسماعیل دوازده‌ساله‌مان را از گمنامی به جهت بیدار کردن هر چه بیشتر

جامعه و نسل جوان امروزی به قلم ساده روایت به تصویر بکشیم؛ امید است که خداوند و امام عصر همکار و یاری رسان ما در این امر باشد.

زندگی نامه شهید علی جرایه

شهید «علی جرایه» در یکی از روزهای سال ۱۳۵۰ از مادری پاک به نام شهربانو دشتی در میان خانواده‌ای مذهبی و مستضعف دیده به جهان گشوده و دوران طفولیت را پشت سر گذاشت و هفت سالگی برای آموزش درس پا به محیط مدرسه گذاشت. سوخته زار جرایه پدرش شهید بزرگوار فردی زحمت کش و کشاورز بود.

علی تحصیلات ابتدایی خود را با داشتن مشکلات خانوادگی در دبستان منوچهری روستای سراپاغ با موفقیت پایان داد؛ بعد از آن در سال تحصیلی ۱۳۶۱ وارد دوره راهنمایی شد و بعد از سپری شدن چند ماه از دوره راهنمایی به ندای امام خود لیک گفت.

این نوجوان رشید جهت انتقام خون شهدا از مبارزاتی با قلبی مملو از نور ایمان و با شوری انقلابی سنگر مدرسه را به قصد دفاع از میهن اسلامی ترک کرد. او هم دوش سایر هم سنگران خود در راهی قدم گذاشت که در مدرسه آن روز جای قلم اسلحه بر دوش می گرفتند.

هم زمان با ورود شهید علی جرایه به جبهه، عملیات غرور آفرین و ۵۰ روزه آغاز شد. او همچون علی اکبر (ع) در سنگر شرف و میهن دوستی و دفاع از مکتب اسلام بخش اسلام به نبرد بی امان علیه دشمن کفار پرداخت اما از آنجایی که عشق به الله است و می خواست آنچه دارد را به خالق خود تقدیم کند، بعد از رشادت ها و دلآوری های مردانه اش تا آخرین لحظه مقاومت کرد تا اینکه عاقبت بر اثر خمپاره دشمن همچون گلی

از گلستان جوانان ایران در تاریخ یکم اسفندماه سال ۱۳۶۲ با پیگیری خونین به لقاءالله و خیل شهیدان گلگون کفن میهن اسلامی پیوست.

محل تولد

محل تولد شهید علی جرایه شهرستان آبدانان - روستای سراباغ است. شهر آبدانان در دامنه جنوبی کبیرکوه و در دره باصفای رودخانه آبدانان در شمال مقبره امامزاده سید صلاح الدین محمد قرار دارد؛ این شهرستان به لحاظ نظامی، کشاورزی و دامداری - انزلی است.

سراباغ یکی از شهرهای استان ایلام است که در بخش سراباغ شهرستان آبدانان واقع شده است. این شهر در آبان ماه ۱۳۸۷ خورشیدی ایجاد شده است. آثار سنگی گچی به جامانده در محل سکونت شهری و متمدن ایلامیان در شمال این شهر در کنار رودخانه سنگر نشان از قدمت این منطقه می دهد. آثار و گنجینه های این محل به عنوان بررسی و اکتشاف نفت توسط نهادهای سال های قبل انقلاب کشف و از کشور خارج شد. آسیاب های آبی و سنگ های آسیاب و کوزه شکسته ها نیز حاکی از دوره تمدن ساسانیان دارد.

خانواده شهید علی جرایه

او در خانواده ای متولد شد که پاکی و ایمانشان به زلای رودخانه و برج و صبرشان همچون صبر ایوب مثال زدنی بود. صبر بر مشکلات عذیده ای چون فقر و ناداری باعث شده بود که او زود بزرگ شود که بتواند همانند دیگر برادرانش نان آور خانه باشد او علاوه بر رفع و رجوع مشکلات خانواده اش دستگیر بی کسانانی بود که با یاری او چرخ زندگی شان را می چرخانند.

آن‌ها خانواده‌ای بی‌بضاعت بودند که تقریباً از خود هیچ سرمایه و زمینی نداشتند. درآمد آن‌ها از چوپانی گله‌های روستا و کارگری بر روی زمین‌های دیگران تأمین می‌گشت هر چند تمام ساکنین این روستا وضعیتی مشابه یکدیگر داشتند و هیچ‌یک را ارجحیتی بر دیگری نبود.

توصیف شید از زبان دوستان

به گفته دوستان، کلاسی هایش مهر و محبت او وصف‌ناشدنی بود و قلب رئوفش مأمنی برای افکار زیبایش بود. علاقه زیادی به کارهای گروهی داشت مخصوصاً زمان ساخت مسجد سراپایگ که بادی در ساخت آن کرد. هیچ‌کس از او رنجش و ناراحتی در دل نداشت. خفاوشش ریزند خاص و عام بود، بیشتر اوقات با صبر تمام متن کتاب دینی‌اش را برای مادرش می‌نمودند با حیوانات بسیار مهربان بود و این را به کرات از زبان اطرافیان‌ش شنیدیم.

دارای نیروی بدنی زیادی بود، چابک و رنگ بود، فکرش باز بود و حلال مشکلات همه بود؛ همچنین او ذهن خلاق و خیال‌پرداز داشت، یک‌پا مخترع بود و نحوه ساخت هر چیزی را با کنکاش پیدا می‌کرد.

پس از اینکه عکس امام خمینی (ره) را برای اولین بار دید علاقه خاصی به او پیدا کرد و تا لحظه شهادت عکس امام را از خود دور نکرد.